



۲۰۱۴/۱۱/۲۰



صالحه وهاب واصل

شرم از خدا

فرياد آن عزيزان هموطنم اعم از خواهر و برادرم که بيگناه قرباني دست اين خدا ناترسان و تشنگان خون انسان ميشوند.

چی بود آرزوی من؛ چه گشته جست و جوی من
چرا ز گریه گشته بغض عقده ای گلوی من

به تن دریده جامه ام؛ ز هم شکسته خانه ام
تمام اختیار من، ز من گرفت عدوی من

برید به دست من سرم؛ به سنگ کشت دخترم
به نام دین و نام و تنگ، برده آبروی من

ز بس به دیده غفلت است؛ نه از خدا خجالت است
ببین که تا کجا دراز کرده دست، سوی من

به هر طرف فقط جسد؛ ز فرط کینه و حسد
به جای آب خون روان به کوچه و به جوی من

نه جایی بهر زیستن؛ نه مهلت گریستن
نه گوشی تا که بشنود صدا و گفت و گوی من

تمام قصه ها ز غم؛ تمام کرده ها ستم
تو « واهبا» ببین که گشته از چی؟ تند خوی من

پایان

د پانو شمیره: له ۱ تر ۱

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de

يادونه: دلپکني دلپکنيزې بڼې پازوالي د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په خير و لولئ